



## نگاه انسانی به معلولان را به کودکانمان بیاموزیم (معرفی انجمن باور)

علوم سیاسی :: گزارش :: مهر 1387 - شماره 201  
از 59 تا 59

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/398152>

دانلود شده توسط : عمومی user2314  
تاریخ دانلود : 17/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

دیدة نشده است که کسی به اهمیت واقعی نفت ایران در جنگ گذشته پی برده باشد و به طرز شایسته‌ای آن را بیان نماید... به عقیده نویسنده (فاتح) ارزش نفت ایران برای متفقین اگر زیادتز از پل پیروزی نبود، مسلما قدر و قیمت و اهمیت آن کمتر نبوده است.

همه می‌دانند که جنگ اخیر، نبرد مکانیزه‌ای بود که عامل اصلی آن نفت ایران در نبردهای خاورمیانه، خاورنور، مدیترانه، روسیه و آفریقا نقش بزرگی را به عهده داشت و پیروزی متفقین بسیار بسیار مدیون و مرهون آن بود.

آنچه را من (مصطفی فاتح) شاهد و ناظر بودم این است که بدون نفت ایران لوازم و مهمات به سرعتی که لازم بود به روسیه نمی‌رسید و بدون نفت ایران کامیابی‌های متفقین به سهولت انجام نمی‌گرفت. ایرانیانی که در موقع جنگ در صنعت نفت ایران کار کرده و عامل موتوری در تحصیل کامیابی‌های متفقین بودند، هیچ گاه به خودستایی نپرداخته و زبان به تحسین خود نگشودند ولی متأسفانه ارزش کار آنها در پیش هموطنان شان هم مکتوم ماند.<sup>(۱)</sup>

این بحث ادامه دارد  
پانویس‌ها:

- ۱- مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۳۱۵ به نقل از جلد سوم کتاب: (خاطرات جنگ) ص ۴۲۳.
- ۲- مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۳۱۴.
- ۳- همان، ص ۳۱۵.
- ۴- همان، ص ۳۱۶.

که ستیزی با ما در بین هست محتمل است که قدم اول را او بردارد. گزارش‌هایی که ظاهرا مورد اعتماد باشد به ما رسیده که ایرانیان در مرزهای روسیه و عراق و در ناحیه معادن نفت تمرکز نیرو داده‌اند. امیدوارم به اسرع اوقات مساعی لازمه به کار برده شود که قوای ما در عراق تقویت یابد. اگر ما بتوانیم چنین کاری را قبل از آن که روس‌ها در جنوب دچار شکست سختی شوند انجام دهیم، امید آن هست که بتوانیم اراده‌ی خود را بدون اعمال قوه به ایرانیان تحمیل نماییم. ولی نباید اقدامات دیپلماتی ما از تجمع نیروی نظامی ما سبقت گیرد و الا نتیجه‌ی آن بسی وخیم خواهد بود. عامل دیگری هم در کار است که لزوم افزایش نیرو را در عراق ایجاب می‌نماید. اگر روسیه دچار شکست شود، ما باید حاضر باشیم که معادن نفت ایران را خودمان اشغال نماییم زیرا در چنین صورتی فشار آلمان‌ها به ایرانیان برای اخراج ما قابل تحمل نخواهد بود.<sup>(۲)</sup>

حالا به اظهارنظر مصطفی فاتح که خود ناقل این مطالب است توجه کنید: «نقل مطالب فوق آشکار می‌سازد که نفت ایران چه اهمیت به سزایی در جنگ داشته و علت تهاجم ارتش‌های بیگانه به ایران تا چه حد مربوط به نفت بوده است.<sup>(۳)</sup> وی در جای دیگر می‌نویسد: «در سال‌های اخیر بسیار گفته و نوشته‌اند که ایران «پل پیروزی» متفقین بوده است و بزای تأیید مطلب در اختیار داشتن راه ترانزیت ایران را برای رساندن ملزومات و مهمات به روسیه شوروی شاهد می‌آورند ولی متأسفانه

سرویس‌تون چرچیل آنقدر برای پیشرفت اهداف خود و دیگر همسایه‌ی نامهربان ما اهمیت قایل است که می‌گوید: «برای دفاع هندوستان واجب است که آلمان‌ها را هم‌اکنون از ایران خارج نماییم. غفلت در این باره موجب تکرار همان وقایعی خواهد شد که در عراق رخ داد و ما توانستیم به زحمت و به موقع با آن مقابله نماییم. نهایت لزوم را دارد که با روس‌ها در ایران تشریک مساعی بشود و اگر دولت کنونی ایران حاضر نیست که تسهیلاتی در این باب فراهم نماید، باید جای خود را به حکومتی بدهد که این کار را خواهد کرد... و بعد پیشنهاد می‌کند که: اولتیماتومی از طرف انگلیس و روس به ایرانیان داده شود که یا آلمان‌ها را بدون معطلی اخراج کنند و یا به انتظار عواقب باشند... ما برای این کار، دست کم یک لشکر که از طرف نیروی هوایی کوچکی یاری شود لازم داشتیم تا بتوانیم معادن نفت را تصرف کنیم...»<sup>(۴)</sup>

سراستونی ایدن، وزیر کابینه چرچیل در پاسخ وی می‌نویسد: «... امروز صبح درباره‌ی فشار به ایران من مطالبات بیشتر کردم، هر چه بیشتر راجع به امکان اجرای این مساله مطالعه می‌کنم آشکارتر می‌گردد که همه چیز مربوط به توانایی ما در تمرکز دادن قوای کافی در عراق است تا بدان وسیله قادر به حفظ معادن نفت ایران باشیم. بسیار خطرناک به نظر می‌رسد قبل از اینکه از لحاظ نظامی ما توانایی چنین کاری را داشته باشیم، حتی به فشار اقتصادی هم مبادرت نمایم زیرا شاه کاملا متوجه به ارزش معادن نفت برای ما هست و اگر ملاحظه کند

معرفی انجمن باور

نگاه انسانی به معلولان را به کودکان و بزرگسالان بیاموزیم



که مستقیماً برای ترویج رفتار اجتماعی با معلول و اشتیاق با معلولیت تهیه شده باشد، بر نخوردیم. حدس می‌زنیم - بخصوص در کشورهای پیشرفته - چنین نیاز اجتماعی و فرهنگی حس نشده تا برنامه‌ای برای تدوین کرده باشند. در برخی از آن کشورها حضور معلولان آنقدر عادی و تسهیل شده است که لزومی به ترویج و تبلیغ نیست. ما بیکار ننشستیم و با کارشناسان مختلفی تماس گرفتیم تا بیشتر راهنمایی‌مان کنند.

شهناز جمشیدی (کارشناس کار با کودک)، مریم عاطفی (روانشناس)، خانم فهیمی (کاردرمانگر) و دکتر محمد کمالی (توانبخش) از جمله افرادی بودند که به دفاتر در جریان طرح قرار گرفتند و پیشنهادهایی برای چگونگی‌اش دادند. با مطالعه دستورالعمل یونیسف برای اداره‌ی جلسات به روش Focus Group، برای اجرا در مدارس عادی به دستورالعملی اجرایی رسیدیم. قبل و بعد از هر بار اجرا، دور هم جمع می‌شویم، همفکری می‌کنیم، برنامه‌هایمان را نقد می‌کنیم و به پیشنهادهای جدیدتر فکر می‌کنیم. در مدارس، ابتدا سعی می‌کنیم تا فضای ذهنی بچه‌ها را با پدیده‌ی معلولیت آشنا کنیم سپس وارد نحوه‌ی ارتباط اجتماعی با فرد معلول می‌شویم و با تصویرسازی ذهنی یا نقش‌آفرینی نمایشی سعی می‌کنیم تا خود کودک مسوولیت‌پذیری و آرايه راهکار را بیابند با حقوق انسانی فرد آشنا شود و اگر نیاز بود آماده‌ی کمک (فیزیکی، اجتماعی) به یک دوست باشد. ما هنوز در گام‌های ابتدایی این راه هستیم. شکل گرفتن نتایج فعالیت‌های فرهنگی نیاز به سال‌ها زمان دارد و کار با کودکان، طولانی‌ترین زمان و در عین حال بهترین نتیجه را به دنبال دارد. اما باور داریم که این هدف دست‌یافتنی است.

به رغم تلاش‌های بی‌شمار دهه‌های اخیر که برای پیوند افراد دارای معلولیت جسمانی با جامعه صورت گرفته است، واقعیت‌های زندگی روزمره نشان می‌دهد که این افراد در این رابطه با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند. آنها در طول تاریخ همواره در حاشیه‌ی اجتماع قرار داشته‌اند.

تشکیل بسیاری از انجمن‌ها و گروه‌های معلولان، با قصد پیدا کردن راه خلی برای اصلاح این نگرش دیرپاست. اما به نظر می‌رسد اگر ذهنیت کودکان از آغاز با معلول آشنا شود، و احترام به حقوق اقلیت و نگاهی انسانی (و نه صرفاً ترحم‌آمیز) به صورتی غیر مستقیم در آنان شکل گیرد، در آینده بنیان‌های فرهنگی مستحکم‌تر و نگرش مسوولانه‌تری را شاهد خواهیم بود. به این منظور می‌بایست در قالبی آسان، بچه‌ها با پدیده معلولیت آشنا شوند و از فرد معلول چهره‌ای عادی ترسیم شود که مثل همه زندگی می‌کند، درس می‌خواند، به سر کار می‌رود، اما به دلیل محدودیت جسمی از وسایل خاصی استفاده می‌کند و با مسایل ویژه‌ای روبروست. و چنین هدفی میسر نمی‌شود مگر از طریق ارتباط با مدارس.

بیشترها جرقه طرحی گسترده (که شامل ارتباط با مدارس استثنایی هم می‌شود) در انجمن باور زده شد و تماس‌هایی را با یکی دو مدرسه برقرار کردیم. برای اینکه چنین ایده‌ای محقق شود از تابستان پارسل مطالعات و مصاحبه‌های اولیه برای دستیابی به اطلاعات لازم آغاز گشت. به اولین چیزی که برخوردیم این بود که چنین کاری تاکنون در ایران صورت نگرفته. این، هم غرورآمیز بود و هم نگران‌کننده، که میبایست کاری ناپخته و پر اشتباه انجام دهیم و نه تنها تأثیرگذاری مناسبی نداشته باشد، بلکه به روحیه‌ی کودکان هم لطمه بزند. نگرانی‌مان آن جا بیشتر شد که به مدل بین‌المللی شناخته شده‌ای